

دکتر عفان سلجوق

استاد دانشگاه کراچی

تاریخ سلجوقیان و شعرای آن زمان

مطالب تاریخی سلسله های ایرانی و اشعار شعرای معاصر آن روزگار را یکی از مسلم ترین منابع تاریخ میتوان شناخت .
مقاسفانه درضمن تفکیک و تهیه لیست منابع تاریخ کلام شعراء معاصر این سلسله های بزرگ ایرانی باندازه شایسته شناخته نشده است . دانشمندان و اهل تحقیق برای مطالعه تاریخ ، کتب تاریخ ، سیر ، تصوف ، ادب ، آثار جغرافیائی سکه ها ، بناهای قدیم تاریخی ، مجموعه های اسناد و مکتوبات شخصی سلاطین و شخصیت های برجسته روزگار را بعنوان منابع مهم و با ارزش تاریخی تعیین نموده اند .
ولی در ضمن ، آثار برجسته شعراء زبر دست آن روزگار از ارزیابی و بررسی افتاده است . این جانب درضمن تهیه رساله دکتری خود که بعنوان نقد و بررسی منابع تاریخ سلجوقیان در دانشگاه تهران صورت گرفت باین موضوع متوجه شدم که شعراء معاصر سلجوقیان مطالب بسیار سلیس و جالب در قصاید و قطعات

خود بیان نموده‌اند که بعضی از آن در کمتر تاریخهای مهم آن روزگار دیده می‌شود. از این جهت فصل مفصلی در این مورد بطور ضمیمه در آخر رساله اضافه نمودم و در ذیل شرحی مختصر از آن بخدمت خوانندگان گرامی مجله وحید تقدیم می‌شود.

اشعار شعراء معاصر سلجوقیان بعضی مطالب با ارزش تاریخی به اختیار ما می‌گذارد. از فحوای اشار و ابیات این شعراء ما می‌توانیم وضع اجتماعی و سیاسی و نیز فتوحات و پیروزی‌های سلاطین سلسله مزبور را مورد بررسی و تحقیق قرار بدهیم.

بازار شاعری از زمان سلطان ملکشاه گرم شد. شاعر معروف آن روزگار امیر معزی تمام وقایع مهم دوره ملکشاه را در قصاید خود ضبط نموده است. چون سلطان در سال ۴۷۱ هـ شهر سمرقند را فتح کرد امیر معزی قصیده ذیل را سرود و سلطان را صمیمانه تبریک گفت: (۱)

ای کرده فتح و نصرت در مشرق آشکارا

بگذشته ز آب جیحون و آتش زده دراعدا

در سال ۴۷۲ هـ تکش برادر سلطان در خراسان عصیان کرد. ملکشاه لشکری سوی خراسان کشید ولی بین دو برادر صلح شد معزی بمناسبت این قصیده ذیل را گفت که بیتی از آن آورده می‌شود: (۲)

روزگار فتنه بود اندر خراسان مدتی

تیغ او بفزود امن خلق و آن فتنه بکاست

(۱) دیوان امیر معزی باهتمام عباس اقبال تهران، ص: ۴ این مطلب بر ص: ۳۱ سلجوقنامه ثبت شده است. (سلجوقنامه باهتمام اسماعیل خان افشار، تهران - ۱۳۳۲ (ش ۵))

(۲) - دیوان، ص: ۹۳، ابن اثیر - قاهره ۱۳۴۸ - ج: ۸، ص:

۱۳۸ نیز این مطالب به تفصیل در 90 p . 5 vol (1969) Cambridge History of Iren (Cambridge آمده است.

در سال ۴۷۹ هـ ملکشاه در شام و الجزیره فتوحات کرد بمناسبت این فتوحات و مأموریت سلطان، امیر معزی قصیده‌ای گفت: (۱)
سران لشکر او آمده ز روم و ز شام

قبای مرتبه پوشیده هر یکی چو قباد

در همین سال موقع مراجعت از شام ملکشاه برای ملاقات خلیفه مقتدی ببغداد مسافرت نمود. معزی بمناسبت این ملاقات قصیده‌ای سرود: (۲)
باد میمون و مبارک بر شه روی زمین

عید و دیدار امام الحق امیر المؤمنین

تاریخ ورود و خروج سلاطین از بغداد در کتب تاریخ دقیقاً ثبت شده است این اثیر می‌نویسد که (۳) سلطان در ماه ذی‌الحجه به بغداد آمد و در ماه صفر از شهر خارج شد. صاحب مرآة الزمان (۴) تاریخ ورود ملکشاه را بشهر بغداد دقیقاً سوم ذی‌الحجه ثبت کرده است.

از مصر دوم شعر امیر معزی هم تأیید می‌شود که ملکشاه در سده اول مهر ماه ذی‌الحجه به بغداد آمد و عبدالاضحی در آنجا حضور داشت ولی بنا بر اطلاعات امیر معزی، سلطان شش ماه در بغداد ماند چنانکه می‌گوید: (۵)

سران لشکر او آمده ز روم و ز شام

قبای مرتبه پوشیده هر یکی چو قباد

(۱) دیوان ص: ۱۴۷ - نیز این اثیر ج ۸ ص: ۱۴۳

(۲) - دیوان ص: ۱۴۰

(۳) ابن اثیر ح: ۸، ص: ۱۴۳

(۴) مرآة الزمان فی التاریخ الاعیان. سبط ابن جوزی باهتمام علی

سوم انقره ۱۹۵۷ م، ص: ۲۴۶

(۵) دیوان ص: ۸ - ۱۴۷

بفرخی شدنت بود در مه آبان

بشادی آمدنت هست درمه خرداد:

زرای و همت عالی بمدت شش ماه

هزار سیرت نیکو نهاد در بغداد

درباره وقایع مهم تاریخی روزگار سلطان سنجر - امیر معزی ، انوری ، عبدالواسع جبلی ، خاقانی ، رشید وطواط و سید اشرف معروف به حسن غزنوی در اشعار خود اشاره کرده اند . بمناسبت فتح غزنین که در سال ۵۱۰ هـ اتفاق افتاد (۱) معزی سه قصیده سروده است : در قصیده اول بکمک گرفتن بهرامشاه غزنوی از سلطان سنجر را بیان می کند : (۲)

جو اندر مرو با بهرام شه پیمان چنان کردی

که بنشانندش در غزنین به تخت پادشاهی بر

بمناسبت فتح سلطان در جنگ ساوه بمقابل برادر خود محمود که در سال ۵۱۳ اتفاق افتاد (۳) امیر معزی قصیده ای سروده است . (۴) در سال ۵۱۴ خان سمرقند محمد بن سلیمان عصیان کرد بسطان سنجر علیه وی لشکر کشید و شهر را فتح کرد . سنجر خان را اسیر کرده همراه خود بخراسان آورد . بعد احکومت سمرقند را بدو پس داد (۵) عبدالواسع جبلی بمناسبت

(۱) سلجوقنامه ص ۴۴ و ابن اثیر ج ۸ ، ص ۲۷۰

(۲) دیوان ص ۱۹۶ ، دو قصیده دیگر بر ص ۲۰۲ و ۲۵۰ آمده

است .

(۳) ابن اثیر وقایع و حوادث سال ۵۱۳ ، ج ۸ ، ص ۱۰

(۴) دیوان ص ۱۹۸

(۵) روضة الصفا خواند میر باهتنام عباس پرویز تهران ۱۳۳۱ ش ۵ ج

مأموریت سنجر در ترکستان چنین گفته است . (۱)

بود ملک تو خراسان و عراق و روم و هند

شد کنون مسلم به آن ملک ترکستان ترا

در سال ۵۳۶ سنجر به دست کافر ختائی شکست خورد و درین جنگ سلطان با چند تن از همراهان توانست جان خود به سلامت برد . فرید کاتب شاعر نسبتاً گمنام آن دوره به مناسبت این واقعه قطعه‌ای گفت : (۲)

شاهان زستان تو جهانی شده راست

تیغ تو چهل سال ز اعدا گین خواست

گر چشم بدی رسید آن هم ز قضاست

آن کس که به یک حال بماندست خداست

در سال ۵۴۲ ه سنجر چون علیه خوارزم شاه لشکر کشید و قلعه هزار اسپ را محاصره کرد . انوری در رکاب سلطان حضور داشت وی قطعه‌ی ذیل را بر کاغذ نوشت و باتیر در قلعه انداخت :

ای شاه همه ملک زمین حسب تراست

وز دولت و اقبال شهی کسب تراست

امروز به یک حمله هزار اسپ بگیر

فردا خوارزم و صد هزار اسپ تراست

رشید و طواط درین هنگام در قلعه بود . وی شعری در جواب بر کاغذ نوشت و به همراه تیر از بالای قلعه به میان لشکر گاه سلطان انداخت :

(۱) دیوان عبدالواسع جبلی باهتمام استاد ذبیح اله صفا تهران

۱۳۴۱ ، ص ۱۷۰

(۲) سلجوقنامه ص : ۴۶

گر خصم تو ای شاه بود رستم گرد

یک خر ز هزار اسپ نتواند برد

رشید و طواط به دربار خوارزمشاهیان بیوسته بود و پیش از آن سلجوقیان را در شمر خود هجو کرده گفته بود :

اتسز غازی به تخت ملک برآمد

دولت سلجوق و آل او به سر آمد

سنجر سوگند خورده بود که هر گاه او را اسیر کند هفت عضو وی را جدا خواهد کرد .

رشید و طواط از سنجر بسیار ترسیده بود نامه‌ای برای سفارش خود پیش منتخب‌الدین اتابک جوینی صاعب عتبه‌الکتابه فرستاد . منتخب‌الدین در دربار بسیار نفوذ می‌داشت و از مقریین خاص سلطان محسوب می‌شد . روزی به سلطان گفت که ای خداوند و طواط مرغکی است بسیار ضعیف و خرداوارا هفت پاره نمی‌توان کرد . پس امر بفرمایید که او را دوپاره کنند . سلطان بخندید و طواط را عفو کرد (۱) . انوری در قطعه دیگری به روابط تیره و تلخ سنجر و خوارزم شاه اشاره می‌کند و می‌گوید : (۲)

اندیشه انتقام چون جزم کنیم

قهر همه دشمنان به یک عزم کنیم

(۱) تذکره الشعراء دولت شاه سمرقندی به اهتمام محمد عباسی تهران

۱۳۳۷ ش ۵ ، ص : ۱۰۲ .

(۲) راحة الصدور محمد ابن علی ابن سلیمان الراوندی به اهتمام محمد

اقبال ، چاپ اوقاف گیپ ۱۹۲۱ ، ص : ۲۰۳ و نیز مقدمه دیوان انوری از

استاد سعید نفیسی تهران ، ۱۳۳۷ ش ۵ ، ص : ۴۲

با چرخ چون اتسز اگر رزم کنیم

گردون به سم اسپ چو خوارزم کنیم

در سال ۵۴۷ سجز با غوریان جنگ کرد و علاءالدین غوری به دست

لشکریان سجز اسیر شد. (۱)

انوری به مناسبت این فتح قصیده‌ای سروده که مطلع آن بدین قرار است:

ملك اكنون شرف ومرتبه و نام گرفت

که جهان زیر نگیں و ملك آرام گرفت (۲)

آن شعر عیناً با عبارت سلجوقنامه مطابقت دارد. ظهیرالدین نیشابوری

نوشته است:

«... کار ملك باز از سر طراوتی تازه گرفت...»

در مصرع آخر شعر چهاردهم این قصیده انوری علاءالدین را به گرگ

تشبیه کرده می گوید:

گرگ را از جمله اغنام گرفت

آقای سعید نفیسی از لباب‌الالباب روایتی نقل کرده است که به سمع

علاءالدین رساندند که انوری ترا هجو کرده است. آقای سعید نفیسی بعد از

تحقیق دقیق شعر ذیل را بر هجو علاءالدین تعبیر می کند (۳).

قاعده تهنیت همی نهند ز آنک

خضم نه ففور چین وغور نه چینست

ولی چنان به نظر می رسد که شعر اول که در آن علاءالدین را به گرگ

تشبیه نموده زیاد باعث رنجش و آشفتگی خاطر علاءالدین شده باشد.

(۱) سلجوقنامه ص: ۲۷

(۲) دیوان ص: ۶۵ نیز راحة الصدور ص: ۲۰۰

(۳) مقدمه دیوان انوری، ص: ۴۴

عبدالواسع جبلی هم به مناسبت فتح سلطان علیه غوریان قصیده‌ای سروده که مطلع آن چنین است: (۱)

تا منزّه باشد از تحویل حکم کردگار

بود خواهد ایمن از تبدیل ملک شهریار

در زمان سلطنت سنجر سیارات هفتگانه در برج میزان در آمده بودند. ستاره‌شناسان و منجمان طوفان، باد و باران را پیش‌بینی کردند. انوری درین امر بسیار مبالغه نموده ولی پیش‌بینی وی غلط در آمد و این روایت در حبیب‌السیر به شرح در آمده است. عبدالواسع جبلی بدین مناسبت می گوید:

متفق بودند یک چندی همه اهل نجوم

کاضطرابی در جهان آید به حکم اضطراب

شد همه امکانشان باطل ز فر پادشاه

شد همه اقوالشان بهتان ز حکم کردگار

در باره فتنه غزان و اوضاع و خیم خراسان خاقانی چند مرثیه نوشته و در شهادت امام محمد ابن یحیی منسوب کرده است (۲). وی در قصیده‌ای به حبس سلطان سنجر اشاره کرده و مطلع آن قصیده به قرار ذیل است: (۳)

آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد
و آن نیل مکرمت که شنیدی سراب شد

انوری در قصیده‌ای که به حضرت خاقان فرستاده و تقاضای کمک و نجات از

دست غزان کرده است می گوید: (۳)

(۱) دیوان، ص ۱۸۲

(۲) حبیب‌السیر میرخواند، تهران ۱۳۳۳ ش. ه. ص: ۵۳۲

(۳) دیوان خاقانی، تهران ۱۲۱۶ ش. ه. ص ۲۰۳ و نیز سلجوقنامه،

بر سمرقند اگر بگذری ای باد سحر

نامه اهل خراسان به بر خاقان بر

سید اشرف (حسن غزنوی) نیز سنجر را مدح کرده چنانکه راوندی

ثبت نموده است. (۱)

سلطان محمد که در سال ۵۴۸ هـ بر تخت سلطنت نشست وی مورد مدح و ستایش شاعران نامدار آن روزگار قرار گرفت. خاقانی در قصیده‌ای که در مدح سلطان گفته او را به پس گرفتن خراسان تشویق کرده است و می‌گوید: (۲)

ملك خراسان تر است در کف اغیار غصب

موسی ملک توئی گرگ شبان غنم

به کف خراسان به تیغ بازستانی زغر

پس چه کنی در نیام گنج ظفر مکنتم

در سال ۵۵۳ سلطان محمد با ملک انیانج و اتابک ایلدگز جنگ کرد

اثیرالدین اخسیکتی در قصیده‌ای که به مدح سلطان گفته به این واقعه اشاره

کرده است. مطلع قصیده چنین است: (۳)

فارغ شد از طاق کدورت صفای ملک

صافی شد از غبار حوادث هوای ملک

(۱) راحة الصدور، ص ۱۸۷ و ص: ۱۹۲

(۲) دیوان، ص ۲۶۴ نیز در ص: ۳۹۲ هم سلطان را مدح کرده است

(۳) دیوان اثیر الدین اخسیکتی به اهتمام رکن الدین همایون فرخ

خاقانی، جمال‌الدین اصفهانی، اثیرالدین اخیسکتی و مجیر بیلقانی
سلطان ارسلان ابن طغرل ۵۵۷-۵۵۵ هـ را مدح کرده اند مطلع شعر خاقانی چنین
است: (۱)

الطرب ای خاصگان بهنگام صبح

کاینک بوی بهشت می‌دهد از کام صبح

جمال‌الدین در وصف سلطان چنین گفته: (۲)

روی او تنویر ماه آسمانی می‌دهد

قد او تعلیم سرو بوستانی می‌دهد

اثیرالدین نیز سلطان را به مناسبت فتح ملک ابخاز تبریک و مدح گفته

این واقعه در سال ۵۶۹ اتفاق افتاد. (۳) اثیر گفته: (۴)

میخ سیاست به حکم بر در ابخاز کوفت

دست عنایت بلطف بر سر ایران نهاد

در راحة الصدور راوندی در قصیده از مجیر بیلقانی نقل نموده است: (۵)

آخرین سلطان سلسله سلجوقیان طغرل ابن ارسلان در سال ۵۷۱ بر

تخت سلطنت نشست جمال‌الدین به مناسبت جلوس طغرل قصیده‌ای سروده است (۶)

(۱) دیوان، ص: ۵۵۷

(۲) دیوان جمال‌الدین اصفهانی به اهتمام استاد وحید دستگردی تهران

۱۳۲۰ ش ۵، ص: ۱۰۹

(۳) سلجوقنامه س ۸۲-۸۱

(۴) دیوان، ص: ۸۰

(۵) ص ۳۰۹ و ۳۰۱

(۶) دیوان ص: ۵۳

اثیرالدین نیز طغرل را مدح گفته: (۱)
ای کعبه سپهرت تا کعب پارسیده

شرعت خطاب کرده ای رکن کعبه دیده

در سال ۵۸۴ هـ خلیفه ناصر بسعایت قزل ارسلان لشکری تحت فرماندهی وزیر خود ابن یونس علیه سلطان طغرل فرستاد ولی سپاه بغداد به دست طغرل شکست خورد و وزیر ابن یونس اسیر شد.

چون اوضاع داخلی کشور آرام گرفت طغرل سفیری از جانب خود به دربار خلافت فرستاد و پوزش طلبید اثیر درین قصیده به مطلب:

زان ملك عزت کرده به کام ریزی

تا مسند خلافت ره جسته و رسیده

از موقف مقدس تشریف خویش برده

وازلهجه ای امامت تعریف خود شنیده

قصاید شعرای معاصر سلجوقیان از لحاظ مطالب تاریخی که در آن آورده شده بسیار مهم و باارزش است بخصوص قصایدی که در مدح صاحبان مناصب و اعیان دولت آن سلسله سروده شده برای تحقیق شرح حال عده ای از شخصیت های برجسته آن روزگار راهنمایی می کند از مطالعه مطالب فوق غرض این بوده که توجه اصحاب تحقیق را به این موضوع جلب کنیم و این نکته را روشن کنیم که دیوان های شعرای آن روزگار نیز یکی از مهمترین منابع تاریخی آن سلسله باید شناخته شود.

پایان